

جزوه کمک آموزشی نکات و خلاصه درس:

عربی

( درس هفتم )

مقطع تحصیلی:

دوره اول متوسطه

پایه:

نهم

تهیه و تنظیم:

مرکز تحقیقات مهندسی ثمین

تمامی حقوق این اثر برای مرکز تحقیقات ثمین محفوظ می باشد.

## الدَّرْسُ السَّابِعُ: ثَمَرَةُ الْجِدِّ

درس هفتم: میوه تلاش

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمُرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَقَاطِ دِرَاسَتِهِ؛

ادیسون در سن هفت سالگی بود، هنگامی که خانواده اش از عهده پرداخت مخارج تحصیلش عاجز شد؛

فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ: «إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ.»

پس مدیر مدرسه او را از مدرسه بیرون کرد و درباره او گفت: «او دانش آموز نادانی است.»

فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا.

پس او میوه فروش شد؛ اما او تحصیل را ترک نکرد، بلکه به کمک مادرش درس خواند؛ او (مادر ادیسون) خیلی کمکش کرد؛

كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.

ادیسون به دلیل حادثه یا بیماری ای که در روزگار کودکی دچارش شده بود، کم شنوا بود.

إِدِيسُونُ أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَبَعْدَ مُدَّةٍ قَدَرَ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ وَالْأَدْوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَبَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْئُولًا فِي أَحَدِ الْقَطَارَاتِ وَقَدَرَ عَلَى شِرَاءِ آلَةِ طَبَاعَةٍ وَوَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبُضَائِعِ وَفِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَطَبَعَهَا فِي الْقَطَارِ.

ادیسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاه کوچکی در خانه اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد. و پس از تلاش های بسیار، مسئول یکی از قطارها شد و توانست دستگاه چاپی بخرد و آن را در واگن کالاها گذاشت و در پانزده سالگی از عمرش، روزنامه ی هفتگی (هفته نامه) نوشت و آن را در قطار چاپ کرد.

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛

در روزی از روزها یکی از شیشه های مواد شیمیایی در چاپخانه شکست؛

فَحَدَّثَ حَرِيْقُ فَطْرَدَهُ رَيْسُ الْقَطَارِ وَ عِنْدَمَا أَنْقَذَ طِفْلاً مِنْ تَحْتِ الْقَطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَيْساً فِي شَرِكَّتِهِ.

پس آتش سوزی روی داد و رئیس قطار او را بیرون کرد و زمانی که کودکی را از زیر قطار نجات داد، پدر کودک او را به عنوان رئیس در شرکتش قرار داد.

كَانَ إِدِيسُونُ مَشْغُولاً فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلاً وَ نَهَاراً.

ادیسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود.

هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبِراً لِلأَبْحَاثِ الصَّنَاعِيَّةِ.

او نخستین کسی بود که آزمایشگاهی برای پژوهش های صنعتی ساخت.

إِخْتَرَعَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ إِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛ مِنْهَا الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ وَ الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيُّ وَ مُسَجِّلُ الْمَوْسِيقَى وَ الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّيْنَمَا وَ بَطَّارِيَةُ السِّيَّارَةِ.

ادیسون بیش از هزار اختراع مهم اختراع کرد. از جمله آنها نیروی برق، چراغ برق، ضبط کننده موسیقی، عکس های متحرک، دستگاه سینما و باطری خودرو بود.

وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَيْسِيٌّ لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

و نیروی برق در این روزگار دلیل اصلی پیشرفت صنایع جدید بوده است.

الكهف ۳۰ :

« إِنِّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً »

قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، قطعاً ما پاداش کسی را که کار نیکو کند تباه نمی کنیم.

📌 قواعد:

📌 موصوف و صفت:

صفت: کلمه ای است که بعضی از ویژگی های اسمی را بیان می کند.

موصوف: اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی را ذکر می کنند.

جاء الأستاذ الفاضل ← استاد دانا آمد. ( «دانا» صفت «استاد» است.)

نکته:

- موصوف همواره مقدم بر صفت است.
- ممکن است یک موصوف، چند صفت داشته باشد. مانند:

گلِ سرخِ زیبا ، صبحِ دل‌انگیزِ بهاری

توجه:

موصوف و صفت همواره، در عدد (مفرد، مثنی، جمع) و در اعراب (رَفَعٌ، نَصَبٌ، جَرٌّ) و در جنس (مؤنث، مذکر) و در معرفه و نکره بودن (الِ داشتن یا تنوین داشتن) کاملاً مطابق یکدیگر هستند.

العالمُ المسلمُ	العالمَةُ المسلمَةُ
العالمانِ المسلمانِ	العالمَتانِ المسلمَتانِ
العالمونَ المسلمونَ	العالماتُ المسلماتُ

مثال:

هذه قَلْعَةٌ تاريخِيَّةٌ في مُحافَظَةٍ جَمِيلَةٍ. ← این دژ تاریخی در استانی زیبا است.  
 هذا أثرٌ تاريخِيٌّ في مُحافَظَةٍ كَبِيرَةٍ. ← این اثر تاریخی در استان بزرگی است.  
 به مضاف و مضافٌ إليه:

مضاف، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضافٌ إليه) نسبت داده می شود.  
 همواره اسم اول را مضاف و اسم دوم را مضافٌ إليه می نامند.

....	مضاف	مضافٌ إليه
هذا	مفتاحُ	الدَّارِ
هذا	مَدِينَةٌ	الهِمَدانِ
هذا	مَرَقَدٌ	العالمِ

نکته: اِعرابِ مضاف به دلیلِ عواملِ گوناگون و شرایطِ جمله متغیر است، اما مضافٌ إليه همیشه مجرور است.

مثال:

- تَمَثِيلُ الْعُلَمَاءِ
- مَقَرُّ مَنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.
- مَدِينَةُ بَغْدَادِ.

توجه: مضاف هرگز تنوین و «ال» نمی گیرد!

مضاف و مضافٌ إليه		موصوف و صفت	
آزمایشگاهِ مدرسه	مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ	آزمایشگاهی کوچک	مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ
صنعتِ کاغذ	صِنَاعَةُ الْوَرَقِ	صنعتِ جدید	الصِّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ
دانشجویانِ دانشگاه	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ

فَن تَرْجَمَهُ:

به ترجمه ترکیب های زیر دقت کن:

۱. سَاعَدَتِ أُخْتِي الْكَبِيرَةُ جَدَّتَنَا. ← خواهرِ بزرگم به مادر بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أُخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ واجِبَاتِهَا. ← برادرِ کوچک من را برای نوشتن تکلیف هایش صدا زدم.

توجه:

اگر بخواهیم ترکیب موصوف و صفت بالا را کلمه به کلمه ترجمه کنیم به این صورت در خواهد آمد:

أخت + ی + الْكَبِيرَةُ ← ( خواهر + من + بزرگ )

اما این درست نیست، بنابراین ضمیر متصل «ی» به همراه صفتِ الْكَبِيرَةُ ترجمه می شود. ← خواهرِ

بزرگِ من